

نیم نگاهی به:

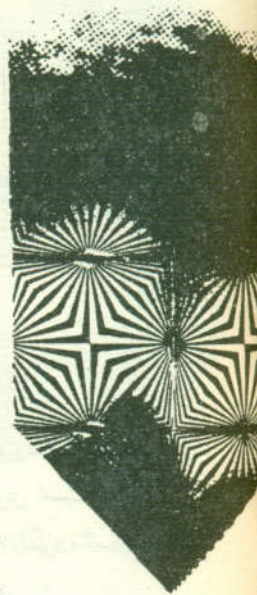
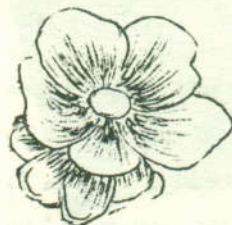
فلسفه ازدواج در اسلام

زهرای بحرینی

مهم و در نتیجه پایدارند. بنابراین، شایسته است ازدواج با توجه به این اهداف در نظر گرفته شود. ازدواج از این نظر که عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای نجات از تنهایی و سببی برای بقای نسل است، خودداری از آن همیشه سبب ایجاد بی تعادلی، نابهنجاری رفتاری و زمانی هم فساد شخصیت و حتی بیماری جسمی می‌گردد. بنابراین، بهترین و بالاترین نعمت‌ها برای هر زن و مرد از نظر اسلام تشکیل خانواده است.

گمان نمی‌رود از بین مکاتب و مذاهب، هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث کرده باشد. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و از سنن انبیاء علیهم‌السلام معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد در حقیقت، همگام با آفرینش و سعادت‌مند است.

ازدواج از نظر اسلام پیمان مقدسی است که برقراری آن بر اساس مقررات، آداب و رسوم، تشریفات، سنن و قوانین خاصی صورت می‌گیرد. معمولاً می‌گویند که خانواده مسؤول بسیاری از عیوب و بدبختی‌های جامعه است. این مطلب قابل قبول است، ولی در عبارتی گویاتر و رساتر می‌گوییم: در واقع، عدم خانواده به معنای واقعی - کلمه است که مسؤول عیوب و بدبختی‌هاست و

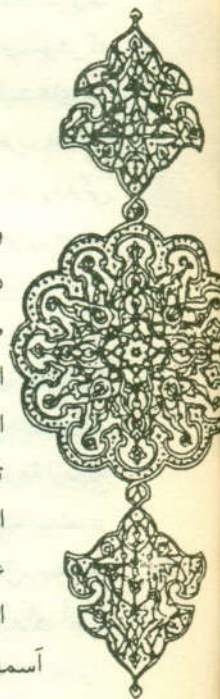


مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَمِدُونَ» (روم: ۲۱)

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و بالطبع، جامعه و اجتماع است و میزان اندیشه و تدبّر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. ازدواج دارای آثار و نتایج بسیاری است؛ از جمله: ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک‌دامنی و عفاف و نتایج متعدد دیگر.

از این رو، اسلام - به عنوان یک مکتب آسمانی - آن را نه تنها کاری محبوب و مقدس دانسته، بلکه جوانان را مؤکداً بدان توصیه کرده است. هر ازدواجی دارای اهداف خاص خود است، ولی در این میان، برخی از اهداف کم‌ارج و کم‌اهمیت و در نتیجه، ناپایدارند و نمی‌توانند برای همیشه و یا حتی مدتی دراز خوشبختی زوجین را تضمین کنند. برخی نیز ارجمند،



این اغلب بدان دلیل است که در تشکیل آن فکر و هدف ارزیابی شده وجود نداشته است.

بسیاری از جوانان با افکار از پیش ساخته و اندیشه‌های رؤیایی وارد زندگی زناشویی می‌شوند و می‌خواهند از راه تصادف و شانس، زمینه را برای داشتن یک کانون سالم پدید آورند، در حالی که تن دادن به ازدواج بدون هدف و روش سنجیده همانند قرار دادن اساس ساختمان بر روی زمینی سست و لرزان است که محلی برای زندگی اطمینان‌بخش نخواهد بود.

خانواده از قدیم‌الایام، مرکز هرگونه ثروت اجتماعی و کانونی برای تولید و پرورش شخصیت‌هاست، سرنوشت و حیات آن به سرنوشت و حیات جامعه بستگی دارد و نقش آن در وحدت و عظمت یک جامعه فوق‌العاده اساسی است. لذا، چنین مهمی را نمی‌توان به مسامحه و سهل‌انگاری نگریست. انسان در زندگی نیازهایی دارد که باید تأمین شود و همان‌گونه که از نظر غذا و دوا و لباس و مسکن نیازمند است، از نظر غریزه جنسی و دیگر غرایز فکری و اخلاقی نیز نیازمند است.

در این مختصر، برآنیم تا در حد مقدور و به اختصار، در زمینه فلسفه و هدف از ازدواج سطوری را به رشته تحریر در آوریم و نیم‌نگاهی به این سنت مؤکد اسلامی از خلال برخی آیات، روایات و اقوال صاحب‌نظران بیفکنیم. اما بجاست پیش از شروع این بحث، با چند نکته آشنا شویم:

ازدواج چیست؟

ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی است تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط سیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با

رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد و در پرتو آن، روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید. این قرارداد، ارتباط و پیوند دوطرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام می‌گیرد که آن را «عقد» یا پیمان ازدواج می‌نامیم.

معنا و مفهوم «عقد»

«عقد» از نظر لغت به معنای «گره زدن» و خود «گره» است و در اصطلاح، هر چیزی است که در سایه آن، رابطه‌ای میان دو فرد یا دو گروه ایجاد می‌شود.

در زبان ازدواج و زناشویی، «عقد» عبارت است از ایجاد پیوندی مشترک بین زن و شوهر که در سایه آن، حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌های دو جانبه پدید می‌آید. به دیگر سخن، «عقد» قراردادی به منظور مشارکت دو تن در زندگی خانوادگی و ایجاد نوعی روابط شرعی و قانونی است.

فلسفه و هدف از ازدواج

هدف از ازدواج هم برای مرد و هم برای زن، پاسخ مثبت دادن به سنت الهی و تولید نسل است. لذا، هر دو در این زمینه بر یک عقیده‌اند. فلسفه ازدواج براساس این دو مبنا ملاک دین و نجابت است. در نتیجه، هدف از ازدواج و تولید نسل، مقدس می‌گردد و هیچ‌یک از مادیات ملاکی برای آن به حساب نمی‌آید.

اصولاً فلسفه خلقت زن و مرد (زوجیت) تولید مثل است، همان‌گونه که این زوجیت در سایر حیوانات و حتی گیاهان نیز وجود دارد. نکته اصلی که باید در ازدواج مورد توجه هر دو طرف باشد دین و کمال است. از این رو، از روایات نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام چنین برمی‌آید که هر کس ممکن است به یکی از این



که همراه بحران است. ازدواج این بحران را تسکین می‌دهد، برای جوان محیط امن و آرام ایجاد می‌نماید، در سایه وجود عواطف خانوادگی، روح سرکش او مهار می‌شود و موجباتی برای برخورداری او از نیروی فکری فراهم می‌شود.

۴- موجب نجات از تنهایی: به عقیده دانشمندان و فلاسفه، انسان موجودی مدنی‌الطبع و بالفطره اجتماعی است. از این رو، محتاج پناه و یاور و یاری دلداری است. ازدواج این فایده را دارد که آدمی را از تنهایی و اعتزال نجات دهد و همدلی در کنار او، در بستر او و در آغوش او قرار دهد تا وجودش را عین وجود خود بداند و در غم و دردش شریک باشد.

ب- ضرورت‌های اجتماعی

ازدواج هرچند از یک نظر، مسأله‌ای شخصی و خصوصی است، ولی از نگاهی دیگر، دارای جنبه و اهمیتی اجتماعی می‌باشد. بر این اساس، ازدواج از ارکان مدنیت و راهی مطمئن برای تأمین آسایش جامعه و رفاه بشریت است. سود و زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست، بلکه افراد اجتماع نیز به گونه‌ای از آن برخوردار می‌شوند.

بی‌تردید، ازدواج رابطه‌ای است که طرفین ربط را تا حد زیادی از بی‌بند و باری و روابط نامشروع و انحرافات اخلاقی و جنسی مصون می‌دارد. این موضوع به تناسب حال طرفین و محیط اجتماعی و امکان انجام سایر گناهان متفاوت است. همچنین سایر جنبه‌های شخصی و اجتماعی نیز در این زمینه مؤثر می‌باشد که گاهی این عمل سبب مصونیت انسان از نیمی از گناهان و معاصی و گاهی بیش‌تر است. لذا، در بعضی از روایات ازدواج را وسیله حفظ نیمی از دین و برخی روایات، دو سوم دین بیان کرده‌اند.^(۱)

زندگی هر یک از زن و شوهر منقسم به دو قسم است:

چهار دلیل ازدواج کند: ۱- پول؛ ۲- دین؛ ۳- زیبایی؛ ۴- شهرت و عنوان. بین این چهار هدف، دین از همه بالاتر و بهتر است.

اما به طور کلی، ضرورت‌های ایجاب‌کننده ازدواج عبارت است از:

الف - ضرورت‌های فردی؛

ب - ضرورت‌های اجتماعی؛

ج - ضرورت‌های مذهبی.

در ذیل، به تفصیل از این موارد بحث می‌کنیم:

الف - ضرورت‌های فردی

۱- پاسخ مثبت به فطرت: انسان به حکم فطرت، دارای غریزه جنسی است و طبیعت و فطرتش ایجاب می‌کند که رشد نماید، به سوی کمال برود و وقتی رشد یافت و به درجه کمال رسیدارضا و اقناع شود. بر این اساس، برای حفظ جان و تعادل نظامات روانی، ضروری است که آدمی به ازدواج تن دهد.

۲- موجبی برای بروز استعدادها: استعدادها برای بروز و تکامل خود نیازمند محیطی امن و آرامند. ازدواج برای جوان آرامش و آسایش ایجاد می‌کند، استعدادهای او را به حرکت درمی‌آورد و به او امکان می‌دهد که از آن به نیکی بهره‌برداری کند.

۳- موجب امنیت و آسایش: اصولاً «بلوغ» یعنی شکوفایی غریزه، چه برای پسر و چه برای دختر



۱- روابط داخلی و خانوادگی؛

۲- روابط خارجی و اجتماعی.

بنابراین، زن صالح در خانواده وسیله تحقق سعادت مرد در نیمی از زندگانی او و مرد نیکوکار برای زن وسیله سعادت نیمی از روابط حیاتی اوست؛ زیرا ازدواج وسیله موفقیت هر یک از طرفین در مقدار زیادی از وظایف عبادی خواهد بود که در روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) به نیمی از دین تعبیر شده است.

ج- ضرورت‌های مذهبی

ضرورت‌های مذهبی ازدواج از دو جنبه قابل بررسی‌اند: از جنبه آیات و از جنبه روایات.

۱- ازدواج در آیات: این سؤال همواره مطرح بوده است که چرا خداوند انسان‌ها و یا حیوانات و حتی گیاهان را زوج آفرید؟ فلسفه زوجیت انسان‌ها، گیاهان و حیوانات چیست؟ در پاسخ به این سؤال، به اجمال می‌توان گفت که فلسفه زوجیت در انسان‌ها به ازدواج بازمی‌گردد. اما پس از آن، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا ازدواج فقط برای تأمین غریزه جنسی است؟ آیا برای شروع مسائل اجتماعی است؟ آیا برای ایجاد انس میان دو زوج مخالف با هم است؟ در پاسخ باید گفت که خیر، هدف از ازدواج این مسائل نیست. فلسفه ازدواج چیز دیگری است و آن امتداد نسل، بقای آن و اتمام ترکیبات عاطفی زن و مرد به دلیل تولید مثل می‌باشد، همان‌گونه در برخی از آیات به این مطلب اشاره شده است:

خداوند در سوره نساء، آیه ۷ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَأَجْدَةً وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا وَنِسَاءً كَثِيرًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»؛ ای مردم، بترسید از پروردگار خود که شما را از یک تن آفرید و از او

جفتش را بیافرید و از آنان مردان و زنان بسیاری گسترانید و بترسید از خداوندی که از او و از ارحام پرشش می‌شود. خداوند بر شما نگاهبان است.

در آیه ۱۱ سوره شوری نیز می‌فرماید: «فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ او پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است. برای شما از جفت خودتان همسرانی قرار داد و از جنس حیوانات نیز جفت‌هایی آفرید تا بر شما بیفزاید و نسل تکثیر پیدا کند. همانند او چیزی نیست. او شنوای بیناست.

۲- ازدواج در روایات: اسلام در این زمینه، دو دسته را مخاطب قرار داده است و ازدواج را به آن‌ها توصیه می‌کند:

۱- کسانی را که به قصد ارضای غریزه شهوت و محافظت از آلودگی ازدواج می‌کنند، ولی از پیدایش نسل جلوگیری می‌نمایند.

۲- کسانی را که علاوه بر ارضای غریزه شهوانی، قصد تشکیل خانواده نیز دارند و در نتیجه، خواهان نسل هستند. اما به طور کلی، دسته دوم بیش‌تر مورد خطاب‌اند؛ زیرا خانواده بدون فرزند در همان وصلت و گوشه حجله، بدون استمرار و دنباله خلاصه می‌شود.

نظر به وجود منافع و اهمیت‌های ازدواج است که اسلام آن را تأیید کرده و ضرورت آن را در درجه اول اهمیت و مورد تأکید قرار داده است. ضرورت‌های ازدواج از نظر اسلام به قرار ذیل است:

۱- محبوب‌ترین بنا: بنای تشکیل خانواده در اسلام محبوب است، تا آن‌جا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست. لذا، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ نزد خداوند هیچ بنایی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که از طریق

ازدواج آباد گردد. (۲)

۲- عامل حفظ پاکدامنی و کسب اخلاق نیک:

ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای برای پاکدامنی و پاکدامن زیستن است. رسول خدا ﷺ به زید بن حارثه فرمودند: ازدواج کن تا پاکدامن باشی (۳) و در سخنی دیگر، فرمودند: مردان را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیکو، ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد گرداند. (۴) در روایتی دیگر، به زنی که گفته بود، دیگر ازدواج نخواهم کرد، فرمودند: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است». (۵)

۳- عامل تکمیل دین: ازدواج غیر از ایجاد نظم در زندگی، وسیله‌ای برای حفظ و تکمیل دین است. بدان دلیل، ازدواج تکمیل کننده ایمان است که به وسیله آن، بسیاری از گناهان از وجود آدمی ریشه کن می‌شود و راه برای سعادت‌مندی او از هر سو فراهم می‌گردد. لذا، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»؛ (۶) هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است. در جای دیگر، فرمودند: «مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي خِدَائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلْثِي دِينِهِ»؛ (۷) هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می‌کند: ای وای، دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد.

۴- موجب ازدیاد نسل: پیامبر ﷺ فرمودند: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِّرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ»؛ (۸) ازدواج کنید؛ زیرا من به زیادت‌ی شما نسبت به امت‌های دیگر در قیامت مباحات می‌کنم. (این‌که امروزه در کشور ما با توجه به احکام ثانویه، به مهار جمعیت حکم می‌شود مطلب دیگری است که این مختصر مجالی برای طرح آن نیست).

۵- موجب ازدیاد مسلمانان: پیامبر ﷺ فرمودند: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسْمَةً تَثْقُلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهَ»؛ (۹) چه مانعی

دارد که مؤمن زنی بگیرد تا خداوند فرزندی نصیبش کند که با کلمه لا اله الا الله زمین را گرانبار کند؟
۶- موجب ازدیاد روزی: پیامبر ﷺ فرمودند: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ»؛ (۱۰) روزی را به وسیله زن گرفتن زیاد کنید. در حدیث دیگری، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرُؤُوجُوهُ»؛ (۱۱) اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را پسندید او را اجابت کنید. در روایتی پیامبر ﷺ فرمودند: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنَّ يَكُونُوا قُرَّاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (۱۲) هر کس ازدواج را از ترس فقر و تنگدستی ترک کند به خدا سوء ظن برده است، زیرا خداوند می‌فرماید: اگر (زن و شوهر) فقیر باشند خدا هر کدام را از کرم خود بی‌نیاز می‌کند. بنابراین، در هر صورت، روزی زن و مرد با خداست.

۷- نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ:
حضرت علی علیه السلام فرمودند: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ بَسْتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ»؛ (۱۳) ازدواج کنید، ازدواج سنت پیامبر ﷺ است. آن جناب می‌فرمودند: هر که می‌خواهد از سنت من پیروی کند، بداند که ازدواج سنت من است.





۸- نشانه پیروی از سنت پیامبران علیهم السلام: امام رضا علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْغَطُّ وَ اخْذُ الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ»؛ (۱۴) سه چیز از سنت‌های پیامبران است: استعمال عطر، ازاله موهای زاید و ازدواج کردن.

۹- موجب جلب رضایت الهی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَعْمُرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ»؛ (۱۵) هیچ چیز نزد خداوند محبوبتر از این نیست که خانه‌ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد.

۱۰- موجب کسب طهارت معنوی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقِهِ بِزَوْجَةٍ»؛ (۱۶) هر کس می‌خواهد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند باید هنگام مرگ متأهل باشد.

۱۱- بهترین بهره و سود: امام رضا علیه السلام فرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرَأَةٌ بَعْدَ الْإِسْلَامِ فَائِدَةً خَيْرًا مِنْ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ...»؛ (۱۷) پس از ایمان به خدا، هیچ انسانی بهره‌ای بهتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است.

۱۲- گشودن درهای رحمت الهی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكُعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ»؛ (۱۸) درهای رحمت آسمان در چهار موقع گشوده می‌شود: ۱- هنگام باریدن باران؛ ۲- وقتی که فرزندی (از سر مهر) به صورت پدرش بنگرد؛ ۳- زمانی که در خانه کعبه گشوده می‌گردد؛ ۴- در وقت اجرای عقد نکاح. (۱۹)

نهی اسلام از عزوبت

از نظر اسلام، ازدواج کاری مقدس و تجرّد چیز پلیدی است. این بر خلاف نظر کسانی است که رهبانیت را پذیرفته‌اند و سعی دارند بدان جنبه‌ای مقدس دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آن کس که این

آیین و مذهب همگام با فطرت مرا دوست دارد باید نسبت به سنت من پای‌بند باشد؛ یکی از سنت‌های من ازدواج است. (۲۰)

در اسلام، سرباز زدن از ازدواج مساوی با تخلف از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی از موازین اسلامی است. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس زمینه و امکانی برای ازدواج داشته باشد و در عین حال، از آن سر باز زند از ما نیست.

اسلام برخلاف رهبانان و تارکان دنیا، مجرّد ماندن را نه تنها فضیلت نمی‌داند، بلکه آن را محکوم کرده و شدیداً از آن نهی فرموده است. زنی به حضور امام صادق علیه السلام رسید و گفت: من قصد ندارم شوهر کنم تا مرا نزد خدا فضلی باشد و اجر و ثوابی به من تعلق گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این سخن را رها کن؛ اگر تنها زیستن فضیلتی بود فاطمه علیها السلام، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، بر این فضل سزاوارتر بود. (۲۱)

بزرگان اسلام عزب ماندن را در صورت فراهم بودن وسایل ازدواج، ناروا و حرام دانسته و زناشویی را محبوب و مقدس شمرده‌اند. اسلام نیز تجرّد را زشت می‌شمارد و می‌گوید: «شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ»؛ (۲۲) بدترین شما کسانی هستند که در حال عزوبت‌اند. احادیثی که از عزوبت نهی می‌کنند بسیارند، از جمله روایات ذیل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله:
- ازدواج کن و گرنه از گنه‌کاران محسوب خواهی شد؛ «تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَأَنْتَ مِنَ الْمُنْذِنِينَ». (۲۳)
- بیش‌تر دوزخیان عزب‌ها هستند؛ «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَّابُ». (۲۴)

- ازدواج کن، وگرنه از راهبان نصارا خواهی بود؛ «تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَأَنْتَ مِنْ رُهْبَانِ النَّصَارَى». (۲۵)

- ازدواج کن، وگرنه از برادران شیطان خواهی بود؛ «تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَأَنْتَ مِنْ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ». (۲۶)

- بدترین افراد امت من عزب‌ها هستند؛ «شِرَارُ أُمَّتِي عُزَّابُهَا». (۲۷)

۲- دو رکعت نماز زن دار بهتر از یک روز نماز و روزه عزب است. «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ» (۲۸)

خودداری از ازدواج عوارضی دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- خودداری از ازدواج زمینه را برای روابط جنسی نامشروع و غیر قانونی فراهم می‌کند که نمونه‌های آن را در کشورهایی که برای خود آمار و حسابی دارند، می‌بینیم. بدیهی است کودکی که به دور از عشق و بدون خواسته والدین یا در اثر یک ازدواج اجباری پدید آید هم مایه غم مرد است و هم موجب تنفر اجتماعی و این‌که آینده چنین کودکانی چه خواهد شد، به خوبی معلوم است.

۲- خودداری از ازدواج موجب بیماری‌های وخیمی هم‌چون امراض تناسلی، ورم مفاصل و مانند آن می‌گردد و این مسأله مورد تأیید پزشکان امروزی است.

۳- خودداری از ازدواج موجب از دست دادن گرمی و نشاط زندگی است. هر کس در دوران جوانی به ازدواج تن ندهد، در دوران پیری با رنج تنهایی مواجه خواهد شد.

۴- خودداری از ازدواج موجب توسعه و گسترش فساد می‌گردد. افراد به سوی فساد اخلاقی سوق پیدا می‌کنند و درهای حیات آنان به دروغ، فحشا و بی‌بند و باری گشوده می‌شود. وجود



غریزه در آدمی خود دلیلی بر ضرورت ازدواج و خودداری از آن، استقبال از خطرات خودآفرین و زمینه‌ای برای هجوم غم‌ها و نابسامانی‌هاست.

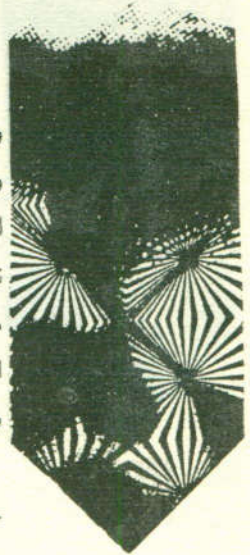
«تهذیب نفس»: فلسفه بزرگ ازدواج

زن و مرد لازم است در پرتو کانون گرم خانواده به تکامل دست یازند و همدیگر را با برخورداری از «صبر» و «شکر»، که دو رکن ایمان است، یاری کنند. شرع مقدس اسلام در تشکیل خانواده تنها به ارضای غریزه جنسی نظر ندارد، اگرچه این نکته مهم نیز جزئی از فلسفه ازدواج است و اسلام برای حفظ عفت عمومی در جوامع بشری، به دختران و پسران بالغی که نیاز به ازدواج دارند امر به پیوند و تشکیل خانواده کرده است، بلکه نکته مهم‌تری که اسلام از ازدواج و تشکیل خانواده دنبال می‌کند عبارت است از: «تهذیب نفس»؛ زیرا محیط خانه و کانون گرم خانواده را بهترین مکتب برای خودسازی و کسب کمالات می‌داند. حال اگر از این مکتب ارزنده و حیات‌بخش و انسان‌ساز درست استفاده نکنیم و یا آن را از هم بپاشیم، تقصیر از شارع مقدس اسلام نیست، بلکه خودمان مقصّر هستیم که با عوامل گوناگون باعث سردی کانون خانواده یا از هم پاشیدگی آن شده‌ایم.

خلاصه و نتیجه بحث

از مجموعه بحث‌ها چنین نتیجه می‌گیریم که هدف از ازدواج در اسلام به مراتب، بالاتر و مقدس‌تر از آن است که تنها در حد کام‌جویی جنسی باشد؛ زیرا اگر چنین بود هیچ فرقی میان ازدواج انسان و جفت‌گیری حیوانات نبود و ازدواج مشمول این همه قوانین آسمانی و رهبری پیامبران علیهم‌السلام و راهنمایان قرار نمی‌گرفت. پس باید در آن اهداف مهم دیگری نیز وجود داشته باشد؛ از جمله: ایجاد، بقا و طهارت نسل، تکمیل





سیره عملی امام خمینی

تواضع و فروتنی امام

تواضع و فروتنی معظم له نسبت به تلامذه و غیره به حدی بود که با وجود کثرت جمعیت شاگردان که مسجد سلماسی مملو از آن‌ها بود، بعضی از تلامذه درخواست نمودند که [ایشان] روی منبر تدریس نمایند، قبول نشمودند و حتی یک پله بالاتر از آن‌ها نشستند و هر یک از شاگردان سؤالی یا اشکالی داشتند، با کمال متانت و صبر و حوصله جواب می‌دادند. (به نقل از حجة الاسلام حسین نقوی اشتهاردی)

بازی با بچه‌ها

امام غالباً با نوه‌های خود و نبیره‌ها با اسباب‌بازی، بازی می‌کردند و آن‌ها را دور خود جمع کرده و با آن‌ها شریک بازی می‌شدند و از آن‌ها می‌پرسیدند که راجع به درس و حساب چگونه هستند. اگر در میان آن‌ها کسی بود که نمره خوبی آورده بوده، امام او را تشویق می‌کردند و به او جایزه می‌دادند، مثلاً یک شیشه عطر. (به نقل از آیت‌الله صادق خفالی)

تنبیه

امام با اهل بیت خود قهر نمی‌کردند و اگر احیاناً ناراحتی داشتند، آن روز مثلاً سر ناهار به نان و ماست اکتفا می‌کردند. دیگر از گوشت و پلو نمی‌خوردند و طرف چون می‌فهمید، عذرخواهی می‌کرد. (به نقل از آیت‌الله صادق خفالی) (صحیفه دل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام)

اسراف هرگز!!

همان شبی که قرار بود فرمایش حضرت امام مورد عمل جراحی قرار گیرد، برای وضو آب خواستند. ایشان نمی‌توانستند حرکت کنند، سُرْم دستشان بود. ما رفتیم که آب برایشان بیاوریم، رفتیم یک پارچ آوردیم و یک تشتی هم آوردیم که بگذاریم زیر دست ایشان که وقتی وضو می‌گیرند، جایی خیس نشود. ظرفی که آب می‌ریختیم پارچ استیل پر از آب بود. حضرت امام گفتند: «نه یک قوری بیاورید». چون پارچ خیلی بزرگ بود و وقتی آب می‌ریختیم، مقداری بیش از حد معمول می‌ریخت، قوری خواستند. رفتیم یک قوری آوردیم. خیلی جالب بود که این قدر مواظب بودند تا اندکی آب اسراف نشود. (فصل صبر، محمد شریفی، گروه پزشکی)

و تکامل، مودت و صفا و از همه بالاتر، انجام وظیفه الهی. پیمان ازدواج پیمانی مقدس و الهی است. بدین‌سان، جز در سایه احکام الهی نمی‌توان آن را فسخ کرد. ازدواج امری اساسی و مهم است، باید در جامعه رشد و توسعه یابد تا افراد در سایه پای‌بندی بدان از بسیاری انحرافات و پیش‌آمدهای ناگوار مصون بمانند.

آن کس که تن به تشکیل خانواده ندهد، هم به خود جفا کرده است و هم به فردی دیگر از جنس مخالف که پاک‌دامن در انتظار همتای مؤمن برای تشکیل زندگی و بهره‌مندی از نعمت و آسایش آن است. البته شکی نیست که در انتخاب همسر باید طریقی اندیشید تا زندگی زناشویی دچار نابسامانی نشود و کودکان پای به جهان نهاده حاصل آن دچار افسردگی و ماتم نگردند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، آل‌البیت، ج ۲۰، ص ۱۷
- ۲- میرزا آقا نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳
- ۳- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۵
- ۴- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲
- ۵- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۶۶
- ۶ و ۷- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷
- ۸- میرزا آقا نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۴۹
- ۹ و ۱۰- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۴
- ۱۱- ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷- همان، ج ۲۰، ص ۲۸ / ص ۴۲ / ص ۱۵ / ص ۱۰۳ / ص ۱۶ / ص ۱۸ / ص ۴۰
- ۱۸- میرزا آقا نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۲
- ۱۹- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۵
- ۲۰- همان
- ۲۱- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹
- ۲۲ و ۲۳- همان، ج ۱۰۳۷، ص ۲۲۱
- ۲۴- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۲۰
- ۲۵ و ۲۶- میرزا آقا نوری طبرسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۵۵
- ۲۸- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۸

سایر منابع

- سیدرضا پاک‌نژاد، ازدواج؛ مکتب انسان‌سازی، یاسر، تهران، بی‌تا
- سید محمد تقی میرسعیدانی، یک روح در دو بدن، محمدی، تهران، بی‌تا
- علی مشکینی، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، الهادی، قم، ۱۳۶۶